

قافله قاریان قرآن شهادت

ماه بیست و پنجم و بیست و ششم - محرم الحرام و صفر المظفر ۱۴۳۲

پاد و خاطره شهید سپید حسین علم الهدی گرامی پاد.

توجه * * این نامه خطابش به خواهر شهید نیست، خطابش به من و شماست * * توجه

متن نامه شهید علم الهدی در سال ۱۳۵۶ خطاب به خواهرش

خواهر عزیز، صدیقه

پس از اهداء سلام و درود، رسیدن به فلاح را برایتان آرزو می‌کنم.

چون در آغاز قدم گذاشتن در سال جدید از شما دور بودم و نتوانستم خود را به این راضی کنم که سال نو را آغاز کنیم و در این لحظات حساس از عمر با شما سخن نگویم ناچار برای اولین بار قلم بدست گرفتم و با شما حرف می‌زنم.

ساعتی پیش داشتم مطالعه می‌کردم به یک جمله رسیدم. در مورد این جمله زیبا فکر کردم و مناسب دیدم که نتیجه این ساعات فکر را که در آستانه شروع سال جدید بود برایتان بنویسم.

شاندل Shandel متفکر بزرگ اروپای قرن بیستم در مورد چگونگی زندگی انسان در قرن بیستم می‌گوید :

«انسان این عصر زندگی را وقف تهیه وسایل زندگی می‌کند»

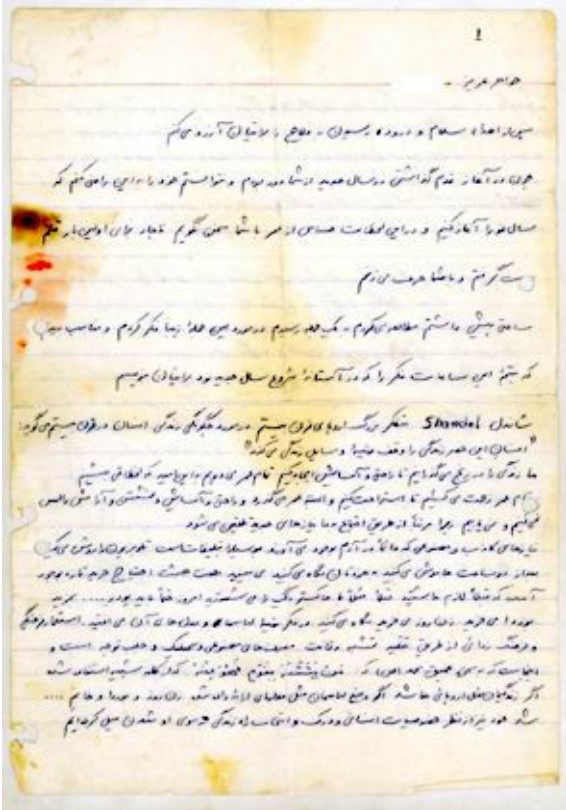
ما زندگی را در رنج می‌گذرانیم تا راحتی و آرامش ایجاد کنیم، تمامی عمر می‌رویم به این امید که لحظاتی بنشینیم، تمام عمر زحمت می‌کشیم تا استراحت کنیم و البته عمر می‌گذرد و راحتی و آسایش و نشستن و آرامش را لمس نمی‌کنیم و نمی‌یابیم. زیرا مرتباً از طریق اجتماع به ما نیازهای جدید تلقین می‌شود.

نیازهای کاذب و مصنوعی که دائماً در آدم بوجود می‌آورند بوسیله تبلیغات است تلویزیون را روشن می‌کنید و بعد از دو ساعت خاموش می‌کنید به خودتان نگاه می‌کنید، می‌بینید هفت هشت احتیاج خرید تازه بوجود آمده که قبلاً لازم نداشتید، قبلاً مثلاً با خاکستر دیگ را می‌شستید امروز حتماً باید پودر... بخرید.

بوردا می‌خرید زن روز می‌خرید نگاه می‌کنید در فکر تهیه لباسها و مدل‌های آن می‌افتید استعمار فرهنگی و فرهنگ زدایی از طریق تقلید تشبه رقابت مصرف‌های مصنوعی و سمبلیک و جلب توجه است و اینجاست که به سخن عمیق محمد(ص) که من یتشبهه یقوم فهو منه که از کلمه شبیه استفاده شده (پی‌می‌بریم) اگر زندگیمان مثل اروپایی‌ها شد اگر وضع لباسها مثل مدل‌های ارائه داده شده زن روز و بوردا و خانم... شد خود نیز از نظر خصوصیات انسانی و درک و انتخاب راه به سوی او شدن میل کرده‌ایم.

یکنواختی و قالبی شدن انسانها در جوامع گوناگون و مخصوصاً در ملت ما که مرتباً بوسیله برنامه‌های فرهنگی مان در سطح وسیعی از طرف مسئولان امر پیاده می‌شود همه در قالبهای ماشینیسم بخاطر بالابردن مصرف جهانی مخصوصاً جهان سوم که دنیای صنعتی به ما تحمیل می‌کند. غارت اصلتها، منابع معنوی و از بین رفتن خصوصیات زندگی شرقی و یا اسلامی که عبارت از مصرف هرچه کمتر و تولید هرچه بیشتر بوسیله عوامل آموزشی دگرگون می‌شود. چرا که اروپای صنعتی می‌بایست برای تولیدات اضافی خود مصرف کننده پیدا کند و چه کند که بتواند کالای مصرفی بدهد و مواد تولیدی بگیرد و منت بگذارد و خود را هم بالاتر و متمدن قلمداد کند و اگر هم سواری خواست خر خوبی تربیت کرده باشد و...

ابتدا با استعمار فرهنگی کار خود را آغاز می‌کند و سپس از یک خصیصه پاک و اصیل خدایی که برسم امانت به انسان داده شده استفاده می‌کند و آن تنوع که شکل تکامل است.



ما می‌بینیم (همراه با درد) که تمام فلسفه‌ها و مذهب‌ها و ایده‌آلها و عشق‌ها و خواسته‌ها و... خلاصه شده در این: اصالت مال زندگی مادی است بنابراین وقتی زندگی مادی اصالت دارد هدف رفاه است پس برای چه باید کار کرد؟ برای ساختن وسایل آسایش زندگی داستان شازده کوچولو را خوانده‌اید؟

آیا قربانی شدن آسایش زندگی برای چه؟ برای تکامل؟ برای تعالی؟ برای رفتن به حقیقت؟ برای رسیدن به ایده‌آل‌های مقدس انسانی؟ برای تقرب و نزدیکی به بهترین دوست و یار، او (الله)؟ نه برای بدست آوردن وسایل آسایش زندگی. زیستن برای مصرف، مصرف برای زیستن

یک دور، باطل دور حماقت کار. استراحت. خوردن. خوابیدن همین و بس!!! بهتر است کمی فکر کنیم ملاک ما برای شناختن افراد چیست، مثال می‌زنم، آیا وقتی مثلاً به خواستگاری می‌روید چه می‌پرسید، می‌پرسید که آیا شما آدم باهوشی هستید؟ با شهامت هستید؟ چه مقدار وقار و اصالت دارید؟

چه مقدار قرآن را درک کرده‌اید؟ چه مقدار در تاریخ و اعتقاد و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و تفسیر و فهم سخنان ائمه مطالعه دارید؟ معلوماتتان چقدر است و... هرگز!

درست همانگونه می‌اندیشیم و همانگونه انتخاب می‌کنیم که فرهنگ مادی بورژوازی غرب به ما تحمیل کرده و معیار ارزش‌ها مان بسته‌بندی شده از غرب می‌آید، اما خود نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و خیال می‌کنیم که اندیشه و فکرمان اسلامی است در صورتیکه اندیشه‌ای که قرآن به ما می‌خواهد بدهد درست عکس آن است و با آن در تضاد کامل است.

و اصلاً اندیشه تربیتی قرآن برای از بین بردن چنین ارزش‌ها و معیارها و طرز تفکرها و برداشتها و چنین شناختی است نسبت به زندگی حیات وسایل مادی نیازها خواسته‌ها ایده‌آلها و...

و ما تمام تلاشمان و ناراحتی‌ها مان و رنج‌ها و حتی نوع احساس‌ها مان در اینست که بهتر زندگی کنیم بجای اندیشیدن به اینکه چگونه باید زندگی کنیم و چرا؟ زندگی یعنی چه؟ تلاش برای چه؟ اصلاً چرا زندگی می‌کنیم؟ و به اینها توجه نداریم، چرا که نتوانستیم خود را از لجن فرهنگ بورژوازی نجات دهیم، از لجن مصرف بدون تولید، از لجن زندگی خلاصه شده در مادیات، و تمام نیروهای خلاق و نبوغهای سرشار را در وسیله خلاصه کردن، درست مثل کسی که پله گذاشته تا خود را به پشت بام برساند اما همینکه پا روی پلکان اول گذاشت آنقدر راجع به خود پله فکر کند سوراخ سمبه‌های آن، رنگ آن و... که لحظه‌ای خواهد رسید و گریبان مرگ او را فرا گرفت و هنوز در فکر اینست که پله چوبی را تبدیل به فلزی یا فلزی را تبدیل به کائوچو یا طلا و یا... کند و در نتیجه عمر تمام می‌شود و خود را به پشت بام نرساند.

خواهش می‌کنم این جمله را با دقت بخوان و فکر کن تا عظمت آن را درک کنی الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا (مردم خوابند وقتی که مردند متنبه می‌شوند، بیدار می‌شوند) که حدس می‌زنم این جمله زیبا از فاطمه بزرگ آن الگوی نمونه شاهد اسوه در همه زمانها برای همه نسلها و همه دختران و مادران تاریخ آن چهره زنده که جز از وقایع مرگ او از تاریخ زندگی چیزی نمی‌دانیم و او که باید در لحظه‌های زندگی در تصمیم‌ها در انتخاب در جلو چشمانمان باشد تا بیاموزیم که چگونه زندگی کنیم و چگونه بمیریم.

نتایجی که من از این جمله گرفته‌ایم به شما ارائه می‌دهم چه بسا که شما فکر کنید به نتایج عمیق تری دست یابید.

مردم خوابند:

۱. خواب معمولاً در شب است و از خصوصیات شب تاریکی و سیاهی و ظلمات است.

۲. کسی که خواب است از وقایعی که در اطرافش اتفاق می‌افتد بی‌خبر است.

۳. کسی که خواب است از خود نیز بی‌خبر است.

۴. اگر دشمنی داشته باشد به سادگی می‌تواند او را از بین ببرد یا در دام بیندازد.



۵. هنگامی که خورشید که مظهر نور است و روشنایی، طلوع کرد انسان از خواب بیدار می شود.

۶. کلمه ناس بکار رفته به معنای توده مردم.

۷. چه کسی متنبه می شود، بیزار می شود، پشیمان می شود، بعد از آنکه بیدار شد؟ کسی که می فهمد استعدادها و نیروهای بسیار در وجود داشته سرمایه های عظیمی خدا به او عطا کرده و آنها را را کد در عالم خواب و ناآگاهی قرار داده همانند آب را کدی که می گندد و بوی بد می دهد. و در ثانی کار از کار گذشته و مرگ فرا رسیده و راه بازگشتی نیست.

هدف او (الله) از آفرینش انسان تکامل بسوی اوست و سرمایه های مادی را در اختیار انسان گذارده تا در خدمت آن هدف بکار بریم، اما... چگونه بدست خود استعدادها و نبوغهایمان را دفن می کنیم و در گورستان فراموشی رها می کنیم و به قول قرآن زندگی مان کافرانه می شود.

زین للذین کفروا الحبوه الدنيا و یسخرن من الذین آمنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیامه .

کسانیکه کفر ورزیدند و حیات دنیا برای آنان زینت داده شده، ایمان آورندگان را مسخره می کنند. ولی کسانیکه تقوی پیشه کردند روز قیامت و حیات اخروی برایشان بسیار برتر و مهمتر است.

در آیه ۱۴ سوره آل عمران مراجعه کنید و دریابید که در این آیه نقش زن در تعیین جهت فکری و مسیر زندگی مرد و اجتماع چگونه مطرح شد:

الدنيا مزرعه الاخره

آیه ۱۲ یونس: هرچه که نداشتیم از خدا می خواهیم و هنگامیکه خدا آن را به ما داد او را فراموش می کنیم پس جزو مسرفین هستیم.

زیرا آنچه را از نعمتها که خدا به ما داده تا در راه رسیدن به او بکار بریم و اگر بکار نگیریم مسرفیم. **کذلک زین للمسرفین ما کانوا**

یعملون . ان الله لا یحب القوم المسرفین .

آیه ۳۱ اعراف - این آیه بسیار عمیق و زیبا و رسا است:

خطاب به بنی اسرائیل (همان قومی که پیامبر ما را به آنها تشبیه می کند) متاع و زینت دنیا را حرام نکردیم بر مردم بلکه اینها وسیله ایست برای مردم با ایمان و اینها فقط در دنیاست و البته و البته در آخرت بهتر از اینها را به مردم با ایمان خواهیم داد.

به سوره کهف آیه ۷- سوره اعراف آیه ۳۱- سوره حدید ۲۰- سوره کهف ۲۸ سوره قصص ۷۸ و ۷۹. سوره احزاب ۲۸. سوره توبه ۳۸. سوره نساء ۷۷. سوره آل عمران ۱۸۵. سوره نحل ۱۱۷. سوره یونس ۲۳ و ۷۰ سوره رعد ۲۷ قصص ۶۰ و ۶۱. سوره غافر ۳۹. سوره شوری ۳۶. سوره زخرف ۳۵.

مراجعه کنید با دقت به سخن خدا گوش کنید تا چگونگی زندگی و راه و هدف و نوع نیازها و خواسته هایمان را از فرهنگ و ایدئولوژی قرآن بگیریم و به جهانیان ثابت کنیم که قرآن برای همه زمانهاست و عمل کردن آن برای همه نسلها.

منتظر پاسخ شما به سخن من - برادران از مشهد- حسین

در محضر رهبر (بیانات رهبر معظم انقلاب در هویزه - ۱۳۷۵)

خدای بزرگوار را و پروردگار عظیم کریم رحیم را شکر گزاریم که به ما آنقدری فرصت داد و عمر داد که یکی از معجزات بزرگ الهی در تاریخ را به چشم خودمان مشاهده کنیم .

در همین بیابانی که امروز ما جمع شده ایم، یک روزی جمعی از بهترین جوانان و پاکیزه ترین عناصر مؤمن و خالص و صالح ما با غربت به خاک افتادند و شربت شهادت را نوشیدند. آنروز کسی گمان نمی کرد که به این شهدای عزیز و غریب آنطور جاه و جلال معنوی پیدا کنند و مردم از راههای دور و نزدیک به زیارت آنها بیایند. اما خدای متعال اراده کرد و آنچه گمان نمی رفت تحقق پیدا کرد و آنچه دور می بود نزدیک شد. امروز گنبد و بارگاه و دستگاه معنوی آن شهیدان وسیله ای برای توجه به قدرت لایزال پروردگار عالم است. قدرت خداوند متعال بر همه قدرتهای مادی



پیروز است، اراده حضرت حق متعال بر اراده انسانها مسیطر و مسلط است.

آنروز این جوانهای عزیز برای خدا قیام کردند و حرکت کردند. من در آن روزی که بسمت این جایگاه شهادت و فداکاری حرکت می‌کردند آنها را از نزدیک دیدم. در نزدیکی کرخه نور، شهید عزیز حسین آقای علم الهدی (رضوان الله تعالی علیه) و بقیه جوانانی که همراه او بودند و با دست خالی بدون تجهیزات، اما با دلی سرشار از عشق و ایمان، با قلبی استوار از اتکا و توکل به پروردگار، به این طرف می‌آمدند. واقعاً انسان یکبار دیگر صحنه صدر اسلام را، صحنه عاشورای حسین را و کربلا را به چشم خود مشاهده می‌کرد، وقتی آن جوانها را می‌دید با عزم راسخ داشتند می‌آمدند در قلب دریای دشمن.

این بیابانها را متجاوزان پر کرده بودند. تمام این سرزمین پاک و مظلوم و خونبار در زیر چکمه متجاوزان بود نیروهای مسلح ما سازمانهای نظامی ما، همه تلاش خودشان را انجام می‌دادند اما این جوانها با دست خالی در راه خدا به جهاد برخاستند. آن روز شاید عده این جوانها ۲۰ تا ۳۰ نفر بیشتر نبود. ۲۰ تا ۳۰ جوان با دست خالی، اما دل استوار از ایمان و توکل به پروردگار، اما در اینجا چند هزار تانک و نفربر زرهی در این بیابانها مستقر بودند. این جمع کوچک می‌آمد برای مقابله آن جمع علی الظاهر بزرگ، با ایمان به خدا، باتوکل، همچنانی که حسین ابن علی (ع) با جمع محدود در مقابل دریای دشمن ایستاد. قلبش نلرزد. اراده اش سست نشد، تردید در او راه پیدا نکرد. این جوانها هم همینطور.

من از شهید علم الهدی در همین جا پرسیدم شما چی دارید، از سلاح و تجهیزات که دارید می‌روید؟

دیدم اینها دل‌هایشان آنچنان به نور ایمان و توکل به خدا محکم است که از خالی بودن دست خودشان هیچ باکی ندارند، حرکت کردند آمدند، خواستار جهاد در راه خدا و پذیرای شهادت در این راه بودند، چون می‌دانستند حق اند. شهدای ما در هر نقطه این جبهه عظیم با همین روحیه، با همین ایمان جنگیدند.

پاد و خاطره تمامی جانبازان و شهدای شهیمپایی گرامی باد.



گر چه با کپسول اکسیژن مجابت کرده اند

مادرت می گفت دکتر ها جوابت کرده اند

مرگ تدریجی است این دردی که داری می کشی

منتها با قرص های خواب، خوابت کرده اند

خواب می بینی که در «سردشتی» و «گیلان غرب»

خواب می بینی که بر آتش کبابت کرده اند

خواب می بینی می آید بوی ترشی سیب کال*
پس برای آزمایش انتخابت کرده اند
خواب می بینی که مسئولان بنیاد شهید
بر در دروازه های شهر قابت کرده اند
از خدا می خواستی محشور باشی با حسین(ع)
خواب می بینی دعایت را اجابت کرده اند
قصر شیرینی که از شیرینی ات چیزی نماند
یا پلی هست که چون «سرپل» خرابت کرده اند
خوشه خوشه بمب های خوشه ای را چیده ای
باد خاکی با کدامین آتش آبت کرده اند؟
با کدامین آتش ای شمعی که در خود سوختی
قطر قطره در وجود خود مذابت کرده اند؟
می پری از خواب و می بینی شهید زنده ای
با چه معیاری-نمی دانم-حسابت کرده اند

*بویی که هنگام اصابت نوعی از بمب های شیمیایی به مشام می رسد.

ربات مسنجر قافله شهداء

خدمتی نو به تمامی دوستداران شهداء و فرهنگ ناب دفاع مقدس

لینک آیدر pm.shohada رواد کنیخ و تو مسنجر با شهداء رفاقت کنیخ. فقط کافیه اعداد ۱ به بالا رو به لینک آیدر بفرستیخ
تا از شهداء، پر لام بگیریخ.

پست الکترونیک: info@Qafeleh.ir

www.Qafeleh.ir